

هشدار موسویان در مورد اصرار بر توقف غنی‌سازی توسط ایران

به روز شده: 14:11 گرینویچ - سه شنبه 22 مه 2012 - 02 خرداد 1391

ژنرال گل خبرنگار بی‌بی‌سی، در وین با حسین موسویان، معاون سابق دبیر شورای امنیت ایران و دیپلمات ارشد سابق تیم مذاکره‌کننده این مصاحبه به زبان انگلیسی و برای سرویس جهانی بی‌بی‌سی انجام شده است.

شما سالها عضو تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران بوده‌اید، در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی احمدی نژاد. چرا غربیها و ایران نتوانستند اختلافاتشان را حل کنند و بر سر برنامه اتمی ایران به توافق نرسیدند؟

در آن زمان نتوانستیم با گروه ۳ اروپا به توافق برسیم، چونکه آمریکا همراهی نکرد. آنان خواهان توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم بوده است. غنی‌سازی در دوره رئیس‌جمهوری رفسنجانی، خاتمی و احمدی نژاد خط قرمز بوده و هست. در نتیجه مهم نیست که اصلاح طلب یا تندرو. اگر حتی حکومت ایران، جمهوری اسلامی یا سلطنتی باشد، برای همه ایرانیها بر اساس پیمان منع گسترش ایران است. این موضع خط قرمز بوده و خواهد ماند.

افراد مذاکره‌کننده از طرف ایران چندین بار عوض شده‌اند. آقایان روحانی، لاریجانی و حالا جلیلی، دیپلماتها کار کشته‌تر است و می‌تواند با غربیها به توافق برسد؟

اولا سیاست مذاکرات هسته‌ای در اصل توسط رهبری تعیین می‌شود. اما به باور من در زمان روحانی شانس بیشتر بود. ما در آن دسترسی بازرسان آژانس از تاسیسات اتمی ایران به توافق رسیدیم. گرچه وظیفه قانونی ما نبود، به عنوان حسن نیت و برای جلب ا متوقف کردیم. ما به طرف مقابل گفتیم که اگر حق قانونی ایران برای غنی‌سازی را به رسمیت بشناسید، دستان برای شفافیت و زمینه‌های دیگر از جمله تروریسم، انرژی، امنیت و مبارزه با گسترش سلاح هسته‌ای با شما همکاری کنیم.

اما فکر می‌کنم غربیها و آمریکا از برنامه هسته‌ای ایران به عنوان ابزاری برای فشار و اعمال تحریمهای بیشتر استفاده می‌کنند.

تحریمهای زیادی در چند سال گذشته علیه ایران اعمال شده است. این تحریمها صادرات نفت و سیس داده. آیا این محدودیتها می‌تواند ایران را وادار به عقب‌نشینی از برنامه هسته‌ای خود کند؟

تحریمها مردم عادی ایران را مجازات می‌کند. اگر می‌پرسید آیا این تحریمها ایران را وادار خواهد کرد تا از حق قانونی خود بر از برنامه هسته‌ای خود دست بردارد و به خواسته غرب گردن نهد، نه. تحریمها هیچ وقت موفق نخواهند بود.

اما تحریمها مشکلات زیادی را برای مردم عادی بوجود آورده است، پیشرفت ایران را محدود کرده، ثروتمندی با منابع عظیم نفت و گاز است. چه نیازی به انرژی هسته‌ای دارد؟ چرا دست از غنی‌سازی ملی بر نمی‌گردد؟

کسانی که این سئوالات را مطرح می‌کنند، همانهایی هستند که قبل از انقلاب می‌خواستند ایران کشوری هسته‌ای شود. اما حالا می‌باشد. فراموش کرده‌اند که آنها بودند که در سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به ایران پیشنهاد دادند که تا سال ۲۰۰۰، می‌تواند ۲۳ نیروگا

اما سلاح هسته ای امروز نتوانسته کمکی به کشورهای دارنده آن بکند. ببینید چطور القاعده به آنان حمله می کند. سلاح هسته ای به برای ما مسئله امنیت نیست. برای ایرانیان هیچ راهی به جز خودکفایی و اتمام این پروژه ها نبوده. فراموش نکنید که ما هشت سال جامعه بین المللی منزوی شده بودیم، ایرانیان توانستند از سرزمین و کشورشان دفاع کنند.

اما حقیقت این است که دو کشور مسلمان با هم جنگیدند. من از سفیر سابق بریتانیا در عراق پرسیدم ایران و عراق تلاش نکرد، او گفت دو شیر خاورمیانه، که دشمن غرب هم بودند، همدیگر را لت و آید فکر نمی کنید که برنامه هسته ای مثل جنگ برای ایران مضر باشد؟

ببینید ما فتوای رهبری را در این زمینه داریم که سندی جدی و معتبر است. این فتوا هرگونه تولید و استفاده از سلاح هسته ای و کث

چه کسی این فتوا را اعلام کرده است؟ سندی هم هست؟

اولا رهبر علنی و رسماً در نماز جمعه این فتوا را صادر کرد. دوماً سال ۲۰۱۰ در کنفرانس منع گسترش سلاح هسته ای تهران که استفاده از سلاح هسته ای حرام است. سفیر ایران در سازمان ملل متحد نیز این فتوا را به عنوان سندی به این سازمان ارائه کرد.

چه ضمانتی وجود دارد که فردا رهبر یا آیت الله یا مرجع تقلید دیگری فتوای دیگری صادر نکند و ب برای امنیت ملی و حفظ اسلام ضرورت دارد؟

من نمی دانم. زیرا من رهبری مذهبی نیستم. ما مقلدیم. اما با توجه به شواهد سالهای دهه ۸۰ هنگامی که صدام از سلاح شیمیایی عا خمینی خواستند که پاسخ در خور به عراق بدهند. امام خمینی اجازه مقابله به مثل نداد. طبق چنین فتوایی سالها است استفاده از سلاح

اما آقای موسویان، بسیاری از کسانی که با آیت الله خمینی بودند، امروز از منتقدین آیت الله خامنه ا فرد را با هم مقایسه می کنید؟

نه، نه... این موضوعی کاملاً متفاوت است. اگر اسرائیل یا آمریکا، یا هر دو به تاسیسات هسته ای ایران حمله کنند، من مطمئنم ایر خواهد شد.

شما می گوید وقتی صحبت از انرژی هسته ای پیش می آید، مسئولان ایرانی چه میانه رو و اصلاح موضع متحد دارند. ولی بسیاری رهبر ایران و آقای احمدی نژاد را متهم می کنند که از برنامه هست در داخل کشور استفاده می کنند. شما فکر نمی کنید این یک مسئله سیاسی باشد تا غرور ملی؟

اگر شما در طول ۶ تا ۷ ماه گذشته مناظره کاندیداهای جمهوریخواه را دنبال کرده باشید، آنان از سیاستهای اوباما در برابر برنامه ه از سیاستهای داخلی آمریکا به مسئله اتمی ایران می پردازد.

در ایران چه؟

خوب در ایران نیز این یک مسئله سیاسی است. طیف های مختلف سیاسی می خواهند ثابت کنند که آنها تنها مدافع واقعی حقوق ایرا

شما یکی از دیپلماتهای ارشد مذاکره کننده بودید، اما نا گهان به جاسوسی و انتقال اطلاعات به کشو واقعا این کار را کردید؟

اولا این یک موضوع داخلی است. من فکر می کنم یک اتهام سیاسی است. من توسط سه قاضی از اتهامات تبرئه شدم. اما تصمیم گ

به نظر نمی رسد هدف قرار دادن شما نشانی از اتحاد در حکومت ایران باشد، اتهام جاسوسی می تو

هدف قرار دادن من دلیلی بر اختلاف مسئولان بر حق قانونی ایران برای غنی سازی نیست.

ولی گفته می شود شما اطلاعات سری را لو داده اید؟

شاید این اتهامات به خاطر سیاستهای هسته ای ما بود، شاید با تیم مذاکره کننده قبلی که برای اعتماد سازی با اروپائیها همکاری می اجرای بندهای الحاقی و تعلیق غنی سازی از دید آنان اشتباه بوده است.

شما می گویند سه قاضی شما را از اتهام جاسوسی تبرئه کردند، که همین طور هم هست، ولی وزیر نژاد می گویند مدارکی در دست دارند که ثابت می کند شما اطلاعات به غربیها داده اید؟

نه، نه... من یادم هست که محسنی اژه ای گفت به تصمیم دستگاه قضایی احترام می گذارد.

رئیس جمهور چه؟

رئیس جمهور شاید دیدگاهش را عوض نکرده باشد، برای من واقعا هم مهم نیست که او چگونه فکر می کند.

آیا حاضرید به ایران بر گردید؟

می توانم بر گردم. زیرا هیچ مانع قانونی برای بازگشتم وجود ندارد.

پس چرا بر نمی گردید؟

زیرا بر اساس حکم آوریل ۲۰۰۸، گرچه حکم قطعی مرا از جاسوسی تبرئه کرده، اما به مدت پنج سال از فعالیتهای دیپلماتیک محروم آوریل ۲۰۱۳. خوب من در ایران بمانم چکار کنم، ترجیح دادم که به کارهای دانشگاهیم برسم و تحصیلاتم را در مقطع فوق دکترا ا

فکر نمی کنید اقامت در آمریکا، بهانه ای به مخالفین شما بدهد که بگویند موسویان در آمریکا است

نه، مسئله این نیست. من قبل از اینکه وارد حکومت جمهوری اسلامی بشوم در آمریکا تحصیل می کردم. خیلی از مقامات بلند پایه بریتانیا هستند. امروز نیز بسیاری از بستگان مقامات ایران، منظورم مقامات بسیار بالا است، پسران و دخترانشان در آمریکا، کانادا

مخالفین حکومت ایران می گویند که فرهنگ حذف در ساختار قدرت ایران وجود دارد. شما هم می دانید بسیاری از چپ ها و گروههای انقلابی از صحنه کنار گذاشته شدند. اصلاح طلبان هم از زمانی که در کنار گذاشته شدند. خود شما هم متهم به جاسوسی شدید و حذفان کردند. خوب غربیها شاید بگویند جلیلی به سرنوشت شما دچار نشود؟

ایرانیان هم می توانند این سؤال را بپرسند که زمانی که ما با دولت شیراک مذاکره کردیم سیاستش با سارکوزی متفاوت بود. ایرانیا هنگامی که دولتهایشان تغییر می کند، سیاستهای تیم مذاکره کننده نیز تغییر می کند. اما درباره موضع حذف در داخل ایران، باید به خاتمی قتل های زنجیره ای صورت گرفت، دستگاه قضایی، رئیس جمهوری و حتی رهبری رسماً و علناً گفت که گروههای خودسر خودسر چیزی نیست که دولت از آن آگاه نباشد. رهبری حتی در آن زمان گروههای خودسر و عاملان قتلها را آلت دست صهیونیست

ولی کسی که به اتهام این قتلها معرفی شد به طور مشکوکی در زندان مرد، مخالفان می گویند این ت پرونده بود، چون دستور قتلها از طرف مقامات بالا آمده بود؟

بگذار به عنوان کسی که ۳۰ سال در حکومت خدمت کرده، صادقانه به شما بگویم، من هیچ گونه مدرکی ندیده ام که نشان دهد رهبر قتلها را صادر کرده یا کسی را تشویق به این قتلها کرده باشند.

اگر یادتان باشد، زمانی که خود شما سفیر ایران در آلمان بودید، زنجیره ای از قتلها در داخل و خار شما در آلمان، قتل مخالفان در میکونوس اتفاق افتاد. حتی سفارت ایران متهم شد که به ضاربان پرا است. آیا وقعا ایران، سفارت و کارمندانش یا شما در این ترورها نقشی داشتید؟

ببینید معمولا دستگاه های اطلاعاتی نمی خواهند نمایندگی های سیاسی را در این ماجرا ها درگیر کنند. من در آن زمان نماینده وزار کردم تا با نمایندگان دستگاه اطلاعات آلمان دیدار کنند. من در این ملاقاتها شرکت نکردم.

یعنی می گوید که شما از این موضوع اطلاعی نداشتید؟

قطعا، من بی خبر بودم. برای یافتن حقیقت خیلی تلاش کردم. هیچ مدرکی دال بر دست داشتن من در این ترورها یا اتهامی علیه من آلمان ارائه نشد. اگر شما حکم دادگاه آلمان علیه متهمان قتلها را بخوانید، نشان می دهد تمام حکمها بر اساس شهادت شخصی به نام آلمان مدعی است که شاهد C شخصی در دستگاه اطلاعات ایران بوده که مدارکی دال بر دخالت ایران به آلمانیها داده. من هیچگاه ن برای مسئولان ایرانی بر اساس شهادت شاهد C بود.

ولی آقای موسویان، به باور شما چه منطقی ممکن است پشت این ادعای آلمانیها علیه مسئولان ایر اتهامات در زمانی مطرح شد که مخالفین جمهوری اسلامی در پاریس، وین و جاهای دیگر ترور می بدون هیچ مدرکی متهم کنند؟

نه، نه... اجازه بده، دیدگاه من چیز دیگری است. من می گویم در دوران من به عنوان سفیر در آلمان، تلاش زیادی کردم بدانم چه د که اتهامات دستگاه اطلاعات آلمان درست یا غلط بود. من می گویم ما نتوانستیم مدرکی دال بر دست داشتن ایران پیدا کنیم.

در گزارش اخیر آژانس بین المللی انرژی اتمی، این نهاد نگران احتمال جنبه نظامی برنامه هسته ای از چیست؟

ادعای احتمال استفاده نظامی ایران از برنامه هسته ای در گزارش نوامبر ۲۰۱۱ آمانو چیز جدیدی نیست. همه کارشناسان بین المللی موضعی کهنه است که ایران در گذشته به آن پاسخ داده. به همین جهت در تهران به این نتیجه قطعی رسیده اند که آمانو سیاستهای آ، عمدا پر رنگتر جلوه می دهد تا فشارها و تحریمها بیشتری علیه ایران اعمال شود.

در چند سال گذشته، به خصوص در دو سال گذشته، بعضی از دانشمندان ایرانی ترور شدند، انفجاره ایران رخ داد. به نظر شما چه کسی ممکن است پشت این رشته عملیات باشد؟

این کاملا روشن است. در سال ۲۰۰۹، جان ساور یکی از مقامات سابق تیم مذاکره کننده غرب و رئیس دستگاه جاسوسی انگلیس (ایران، غربیها بایستی عملیات پنهانی علیه تاسیسات هسته ای ایران انجام دهند. وقتی این را شنیدم شوکه شدم. تعجب کردم چگونه ی علیه کشور مستقل دیگری می دهد. پس از این، ما شاهد حمله ویروس استاکس نت، عملیات خرابکاری و مشکوک علیه تاسیسات اته اگر شما مطبوعات آمریکا را بخوانید می بینید که آنها اعتراف می کنند که آمریکا و اسرائیل پشت این رشته عملیات بوده اند. اما گز نداشته، بلکه اسرائیل پشت این رشته عملیات بوده است.

آیا این رشته عملیات علیه ایران توانسته سرعت برنامه هسته ای ایران را کم کند؟

تحقیر کردن ملتی، کاملا نتیجه معکوس دارد. پس از حمله ویروس استاکس نت، رشته عملیات خرابکاری، ایران تصمیم گرفت که ا بودند که سپاه پاسداران ایران را وادار کردند برای مقابله با عملیات خرابکارانه، ارتش سایبری تاسیس کند. اگر به یاد داشته باشید، د بود، علی‌رغم عملیات خرابکاری، در ظرف دو سال ایران امروز ۹۰۰۰ سانتریفیوژ دارد. علی‌رغم ترورها و خرابکاری، ایران ه ۲۰% برساند. علی‌رغم تمام این رشته عملیات، ایران می تواند سوخت جامد برای مرکز تحقیقات هسته ای تهران تولید کند. این نتی

گفته می‌شود تیم آقای احمدی نژاد و جلیلی از اصلاح طلبان خواسته‌اند که به آنها در مذاکرات هسته‌ای توافق برسند، شما مطمئناً دوستانی در حکومت و تیم مذاکره‌کننده دارید، آیا این واقعیت دارد؟

من این شایعات را باور ندارم. احمدی نژاد نیازی به کمک اصلاح طلبان ندارد. در زمان احمدی نژاد بود که برای اولین بار سفیر دیدار کرد. این احمدی نژاد بود که توانست برای اولین بار در تاریخ جمهوری اسلامی به عنوان رئیس‌جمهور به رئیس‌جمهوری آمریکا بدون اجازه شخص رهبر امکان پذیر نبود. مثلاً اگر رهبری موافق نبود، جلیلی نمی‌توانست با بیل برنز ملاقات کند. با این وصف، نیاز داشته باشد؟

می‌خواهید بگویید که او اهل کوتاه آمدن نیست و با کسی همکاری نمی‌کند؟

نه... مسئله قدرت نیست، تصمیم نهایی در دست رهبری است و خواهد بود.

اگر شما به خانم اشتون مشاوره بدهید، به عنوان کسی که با شیوه فکر کردن تیم مذاکره‌کننده ایران خواهید کرد تا با ایرانیان بر سر برنامه اتمی به توافق برسد؟

به خانم اشتون خواهم گفت که با حق طبیعی ایران برای غنی‌سازی مخالفت نکند. شما نخواهید توانست ایران را از حق قانونیش محروم کنید. برای شما اگر توقف غنی‌سازی خط قرمز است؛ تهران هیچ وقت به آن عکس‌العمل مثبت نشان نخواهد داد. ای است، شما شانس خوبی برای موفقیت دارید؛ شانس بزرگی برای حل اختلافات.

اگر شانس مشاوره به آقای جلیلی را داشتید، به او چه توصیه‌ای خواهی کرد؟

از گذشته تا به امروز، مشکل گروه ۱+۵ این است که موضع متحدی ندارند. آنها شجاعت قبول حق غنی‌سازی ایران بر اساس NPT را ندارند. اگر شما برای رفع سوء تفاهم‌ها و شبهات و اثبات صلح آمیز بودن برنامه اتمی خود تلاش کنید، ما هم تحریم‌ها را لغو خواهیم کرد. برخوایم گرداند و به برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران به عنوان عضو NPT طبق بند ۴ کمک خواهیم کرد. در ده سال گذشته غر ندادند. به همین جهت توصیه من به اشتون است نه جلیلی.

در چند سال گذشته، به خصوص در موارد اخیر مذاکرات معمولاً در استانبول بوده است. من خبرها می‌دانم که بغداد جای امنی نیست. با انتخاب بغداد برای مذاکرات این دوره، ایران چه پیامی را می‌دهد؟

من دوباره گروه ۱+۵ را مقصر می‌دانم. آنها با طرز فکر ایرانی‌ها آشنا نیستند. ایرانیان هیچ گاه تحت فشار موضع خود را عوض نمی‌کنند. مذاکرات در استانبول بود، گروه ۱+۵ به رهبری آمریکا گفت نه. وقتی به ایران گفتند به استانبول نروند آمد و ایران بایستی به ژنوا است، حالا مذاکرات بایستی در استانبول، بغداد، دمشق، یا بیروت باشد. در این دوره از مذاکرات، این بار ایران گفت یا دمشق، یا بیروت. اینک غربیها ابتدا با آن موافقت نکردند.

دلیل مخالفت ایران با استانبول برای این دوره از مذاکرات به خاطر فشارهای ترکیه به سوریه نبود؟

این واقعاً دلیل اصلی نیست. قطعاً این موضوع در رابطه ایران و ترکیه تنش بوجود آورده. اما غربیها می‌خواستند برای ایران شرم

ایران امتیازی کسب کرد؟

بله، قطعاً، آمریکا و اروپاییها دستهایشان را بالا بردند و گفتند به استانبول خواهیم آمد، و این عقب نشینی گروه ۱+۵ بود. بعد ایران مذاکرات بایستی در بغداد باشد.

غربیها می‌گویند که دیپلماتهای ایرانی خوب بلدند وقت کشی کنند، این که هدف اصلی آنان خریدن و

تکنولوژی تولید سلاح هسته ای است. آیا این واقعیت دارد؟

نه، نه... اگر منظورتان این است که دیپلمات های ایران خبره و کار کشته هستند، با شما موافقم. اگر می پرسید که آنان غربیها را ب و سلاح هسته ای تولید کنند، من موافق نیستم.

در ابتدای مذاکرات غربیها از ایران می خواستند که برای مدتی برنامه غنی سازی اورانیوم را متوقفاً که قرار است در بغداد بر گزار شود، آیا موضع گروه ۵+۱ تغییر کرده؟

ما شاهد موضعهای ضد و نقیضی از غربیها هستیم. روسها و چینیهها واقع بین تر هستند و با حقوق ایران مخالفتی ندارند. اما میان ک های ضد و نقیضی از اوپاما می رسد. یک بار هیلاری کلینتون می گوید اگر ایران صداقت در اجرای تعهداتش نشان دهد، ما حق شناسیم.

روزنامه لس آنجلس تایمز از قول یک مقام آمریکایی نوشته که اگر ایران برنامه غنی سازی ۲۰٪ را متوقف کند، آمریکا با غنی روزنامه همچنین از قول یک مقام ایرانی نوشته که ایران از این موضع آمریکا استقبال می کند و ایران در مورد غنی سازی ۲۰٪ خواهد بود. اما چند روز پیش سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا مدعی شد که این گزارشها واقعیت ندارند و گفت که آمریکا بر کامل برنامه هسته ای ایران تاکید دارد پا فشاری می کند. اگر این موضع آمریکا و گروه ۵+۱ باشد، به باور من در مذاکرات بغداد

شرایط استفاده
حفظ اطلاعات شخه

موبایل
Advertise With Us

B B C

BBC © 2013